

مجموعه تحقیقات تاریخ محلی

تاریخ محلی گرگان

استاد راهنما: دکتر مرتضی نورائی

دانشجو: شکوه میرشکار

ویرایش: ولی الله مسیبی قمبوانی

خرداد ۱۳۹۰

فهرست مطالب:

۱ مقدمه

۲ چکیده

۳	فصل اول : پیشینه گرگان
۴	گرگان در طول تاریخ
۵	گرگان امروز
۱۰	فصل دوم: آثار تاریخی
۱۱	دیوار بزرگ گرگان
۱۲	مدرسه عمادیه
۱۲	کاخ موزه گرگان
۱۳	مسجد جامع گرگان
۱۵	فصل سوم: وضعیت فرهنگی
۱۵	مکتب
۱۶	دبستان و دبیرستان
۱۶	اولین نهاد آموزش عالی د رگرگان
۱۶	تاریخچه نشریات و جراید و روزنامه نگاری در گرگان
۱۹	رادیو و تلویزیون و نقش آن در فرهنگ مردم گرگان
۲۰	فصل چهارم: شخصیت های معروف گرگان
۲۰	شخصیت های دیوانی
۲۱	شخصیت های فرهنگی
۲۳	فصل پنجم: آداب و رسوم
۲۳	آداب تحویل سال
۲۴	شگون عید

فصل ششم: زبان ۲۵

واژه های مصطلح در گرگان ۲۶

ضرب المثل ها ۲۷

پی نوشت ۲۸

منابع و مأخذ ۳۰

تصاویر

مقدمه:

شرح زندگانی و تاریخچه هر ملت و قومی برای آیندگان آن ملت و قوم فوایدی در بردارد که مهمتر از همه پند گرفتن از تاریخ گذشتگان است. گذشته‌ی مردم هر ناحیه و سرگذشت تلخ و شیرین زندگانی رجال برجسته و نامی آنان که توانسته اند خدماتی به اجتماع خود بکنند، برای تشویق و ترغیب جوانان و نسل آینده‌ی مردم آن ناحیه اهمیتی به سزا دارد.

این جانب به دلیل دوری از شهر خود (گرگان) تنها در ایام عید نوروز موفق شدم که تحقیقات میدانی خود را انجام دهم. جهت نگارش قسمت زبان و واژه‌های مصطلح به افراد زیادی مراجعه کردم تا توانستم این قسمت را تکمیل نمایم.

در این راه با مشکلات زیادی مواجه شدم که از جمله تعطیلی بسیاری از اماکن تاریخی در ایام عید بود که کار تحقیقی مرا به تعویض انداخت. به همین دلیل در صورت هرگونه ایراد در متن تحقیق از استاد گرامی‌ام جناب آقای دکتر نورایی و همین طور آقای رجایی نهایت عذرخواهی را می‌نمایم.

در پایان از دکتر رجایی، خانواده‌ی قریب، خانواده‌ی فندرسکی و چندی از اهالی محترم شهرستان گرگان که در تهیه بعضی از اطلاعات به بنده‌ی حقیر کمک کردند، سپاسگزارم.

چکیده:

این تحقیق در شش فصل تنظیم شده است که عبارتند از: فصل اول: پیشینه‌ی گرگان، این فصل به ۲ قسمت تقسیم می‌شد: گرگان در طور تاریخ و گرگان امروز. در قسمت اول تاریخچه‌ای اجمالی از گرگان را ذکر کرده‌ایم و در قسمت دوم وضعیت فعلی گرگان را بیان کرده‌ایم.

فصل دوم: آثار تاریخی در این فصل چند نمونه از آثار تاریخی گرگان (دیوار بزرگ گرگان، مدرسه‌ی عمادیه، کاخ موزه گرگان، مسجد جامع گرگان) را به اختصار توضیح داده‌ام.

فصل سوم: وضعیت فرهنگی، مطالب ارائه شده از این فصل عبارتند از: مکتب- دبستان و دبیرستان- نهاد آموزش عالی- تاریخچه نشریات، جراید و روزنامه‌نگاری- رادیو و تلویزیون و نقش آن در فرهنگ گرگان.

فصل چهارم: شخصیت‌های معروف گرگان، در این فصل به طور مختصر به چند نمونه از شخصیت‌های معروف دیوانی و فرهنگی اشاره شده است.

فصل پنجم: آداب و رسوم، متأسفانه از آنجایی که بسیاری از آداب و رسوم در گرگان به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است تنها مطلبی که از رسوم گرگان جمع‌آوری کردم مربوط به آداب تحویل سال و شگون عید می‌باشد که در این فصل ذکر شده است.

فصل ششم: زبان، در این فصل که آخرین فصل از این تحقیق می‌باشد در مورد زبان، واژه‌های مصطلح و ضرب‌المثل‌ها مطلبی بیان شده است.

کلمات کلیدی: گرگان، استرآباد، مدرسه عمادیه، قریب.

فصل اول: پیشینه گرگان

گرگان به اطلاق عام شامل سرزمینی است بین خراسان و طبرستان و به اطلاق خاص شهری قدیمی است که ویرانه‌هایش در ۳ کیلومتری گنبدقابوس کنونی دیده می‌شود. این شهر در عهد مغول قتل عام شد و در لشکرکشی‌های تیمور یکسره ویران گردید.

استرآباد «گرگان فعلی» یکی از شهرهای مهم سرزمین گرگان و گویا در زمان هخامنشیان کرسی آن بوده است. پس از قتل عام و ویرانی شهر گرگان به دست مغول و تیمور این شهر رونق بیشتری گرفت و این خطه را استرآباد نامیده‌اند.

گرگان در «اوستا» به صورت «وهرکانه» و در کتیبه‌ی داریوش کبیر در بیستون «ورگانه» و در کتب پهلوی «ورکان» و «گورگان» ضبط شده است و یونانیان آن را «هیرکانی» می‌گفته‌اند. معرب آن «جرجان» است. جغرافی نویسان قدیم سرزمین گرگان را شهری به نام «زادراکرت» نام برده‌اند که جمعی از محققان آن را استرآباد تطبیق کرده‌اند.

استرآباد در بعضی از متون فارسی به صورتهای «استرآباد»، «استرآباد» ، «استرآباد» و «ستارآباد» و «استاروا» آمده است. (۱) مردم گرگان پیش از حمله اعراب به ایران گبر بودند، یعنی پیرو آیین زرتشت و نام گرگان را «گبرمکان» یعنی محل گبرها می‌گفتند که به تدریج این نام به گرگان تغییر یافته است. این نکته نیز می‌تواند تأیید دیگری بر این باشد که گرگان مرکز گبرها بوده و بنابراین باید آبادی بزرگی یا شهری بوده باشد که مورد توجه زردتشتیها بوده و مرکز این نواحی را تشکیل می‌داده است. (۲)

گرگان در طول تاریخ

دشت گرگان قدمتی شش هزار ساله در این منطقه در قرن اول میلادی، سرزمینی مستقل بود و دربار امپراطوری روم سفیر داشت. از جمله: هرات، استرآباد، طبرستان، جرجان، گرگان، این شهر تا اواخر دوره قاجاریه با نام استرآباد مشهور بوده است. به جز شهرهای گرگان و گنبد، بیشتر شهرهای استان، از توسعه و بزرگ شدن روستاها به وجود آمده و فاقد اهمیت تاریخی‌اند. شهر تاریخی استان، استرآباد، همان گرگان فعلی، است ه بنایش به قهرمان ایرانی، گرگین میلاد، منسوب است. در سال ۱۶۴ ه.ق مهدی خلیفه عباسی، فرستادگانی را نزد فرمانروایان گرگان فرستاد و از آنها قول وفاداری گرفت. در سال بعد پادشاه آنجا شوش کرد که پس از جنگ طولانی، شورشیان شکست خوردند و گرگان تسلیم گشت. نسیم روح‌بخش اسلام در منطقه گرگان وزیدن گرفت و مردم گروه گروه به دین اسلام درآمدند. پس از قیام زید و سرکوب آن توسط خلیفه وقت عده زیادی از همراهان زید راهی منطقه گرگان شدند. عده ساداتی که تا قرن پنجم به این سرزمین عزیمت نمودند به ۳۲ نفر رسید و از این نظر حائز رتبه چهارم گردید. سادات مهاجر هر یک سهم عمده‌ای در ترویج افکار شیعه‌ای در منطقه ایفا نمودند. در سال ۲۵۳ ه.ق. حسن بن زید گرگان را تصرف کرد و آن را در قلمروت حکومت علویان قرار داد. در سال ۲۶۰ ه.ق یعقوب لیث گرگان را از سلطه علویان خارج نمود. پس از گذشت ۲۳ سال، حسن بن زید توانست دوباره گرگان را به تصرف خود در آورد. در پرتو حکومت علویان، تشیع در منطقه گسترش یافت. در روایتی، امام حسن عسگری (ع) خواسته شیعیان گرگانی را ارج نهاد و سفری کوتاه به آنجا نمود. به گفته قاضی نورالله شوشتری این کرامتی بود که جا دارد اهالی گرگان برای آن بر اهالی قم، مشهد، کاشان و سبزوار بر خود ببالند. چرا که تا آن روز و پس از آن نیز، هیچ یک از امامان داوطلبانه وارد ایران نگشتند. این روایت از طرفی گویای نفوذ و گسترش شیعه امامی در منطقه گرگان در عصر امام حسن عسگری (ع) است. با سقوط علویان در

گرگان و سایر مناطق، این شهر به تصرف ساسانیان درآمد. با ظهور آل بویه در بحبوحه جنگهای خانمان سوزی که بین آل بویه و سامانیان در برمی گرفت.

گرگان در دوره اول سلجوقی، به تصرف طغرل درآمد. سپس خوارزمشاهیان آنجا را تصرف کردند. با شکست محمد خوارزمشاه و هجوم مغولان به ایران، گرگان هم مانند سایر شهرهای ایران آن روز، آماج حمله وحشیانه مغولان قرار گرفت. گرگان در این هجوم چنان آسیب دیده تا قرن‌ها آثار شوم آن را با خود داشت. با ظهور سربداران دامنه قیامشان گرگان را فرا گرفته است. و گرگانی‌هایی که از ظلم مغولان به ستوه آمده بودند، شادمانه خود را آماده قیام و استقبال از سربداران نمودند. محمد هندو، حاکم مغولی، که پس از شکست سپاهش در نبرد با جوانان باشتینی به سوی گرگان گریخته بود، در نبردی نزدیک شهر گرگان کشته شد. با شکست مغولان لشکریان پیروز سربدار در میان استقبالی گرم و کم‌نظیر وارد شهر گرگان شدند.

بدین سان گرگان در آسمان تشیع اوج گرفت و دومین مرکز حکومت شیعیان گردید و پلی شد برای نشر افکار شیعی در دیگر شهرهای مجاور، در قیام مرعشیان در مازندران نیز گرگانیان با این سادات همکاری کردند. مرعشیان که با تبلیغ آرمانهای سربداران، مازندران را به تصرف خود در آورده و با سرزمین گرگان هم مرز شده بودند، پس از تجاوزهای حاکم گرگان به سرحداتشان با لشکری عظیم‌رهسپار گرگان گشتند پس از شکست و فرار حاکم گرگان، با سلام و صلوات اهالی شهر که دل خوشی از حاکم فراری خود نداشتند وارد آنجا شدند. در سال ۷۸۰ ه.ق تیمورخان با شکست حاکم گرگان، بر این شهر استیلا یافت. تیمور با رفتاری خشن‌تر از مغولان به تخریب مساجد، بناهای تاریخی و منازل مردم پرداخت و شمار بسیاری را هم کشت. سپس ترکمنان قره قویونلو و مدتی نیز ازبکان در گرگان حکومت راندند. آنها جنایات بسیاری را بر اهالی گرگان روا داشتند و در طول حکومتشان هم هیچ‌گاه مردم احساس امنیت نکردند. در عصر صفویه، شاه عباس به گرگان آمد و

قلعه‌ی مبارک آباد را در آن بنیان نهاد. در عصر صفویه که از لحاظ رشد افکار مذهبی، یکی از مهمترین دوره‌های تاریخ ایران است. علمای استرآباد، گرگان امروز، در قرنهای دهم و یازدهم نقش مهمی در اجرای اهداف حکومت صفوی ایفا نمودند. پس از صفویه نیز مدتی گرگان در تصرف نادرشاه و جانشینان وی بود. گرگان را باید مهد قاجار دانست، چرا که آقا محمدخان قاجار، مؤسس سلسله‌ی قاجاریه، در خانه‌ای در این شهر که هم اکنون به مولودخانه معروف است، تولد یافت. هنوز هم بازماندگان قاجار در این شهر به چشم می‌خورند. گرگانیان در قیام مشروطه خواهی مردم ایران، با رهبری روحانی آزادیخواه خود، شیخ محمدحسین استرآبادی، شرکت نمودند.

در دوره‌ی پهلوی، دشت زیبای گرگان در معرض غارت قرار گرفت که در این میان، نام سرلشکر مزین نماینده‌ی دربار در گرگان، بسیار خودنمایی می‌کرد. از آغاز انقلاب اسلامی شهر گرگان شاهد تظاهرات و اعتصابات بزرگی بود. گرگانیان با تقدیم شهدای بسیار همراهی صادقانه‌ی خود را با حضرت امام خمینی (ره) نشان دادند. کشتار بیرحمانه مردم شهرهای گرگان و گنبد در روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن، اعتراضات رهبر انقلاب را در پی داشت. سرانجام در ۲۳ بهمن تلاش‌ها به ثمر نشست و گرگان حیات جدیدی را در پرتو حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز کرد. با هجوم ارتش عراق به ایران، دلیرمردان گرگانی، با تقدیم ۱۵۰۰ شهید و هزاران مجروح و جانباز، استقامتی ستودنی را از خود به نمایش گذاشتند. (۳)

این شهر در بیش از سال ۱۳۱۶ خورشیدی استرآباد نامیده می‌شد. درباره زمان ساخت آن در منابع اسلامی آمده است که فرمانده عرب یزیدبن المهلب، زمانی که از آنجا گذر می‌کرد در محوطه داخل دیوارهای دهکده‌ای به نام Astarak گنجینه‌ای از چهل طرف سفالی بدست آورد که آن را با زنجیر بهم متصل نموده و داخل آنها پر از طلا و نقره بود و این گنجینه را در ساختمان شهر استرآباد بکار برد.

سیاقی نظام در فتوحات همایون تحریر ۱۰۰۷ هجری از احداث شهر استرآباد در زمان خسرو انوشیروان یاد می‌کند و اتمام آن سد در عهده اصطخریون کرده و اصطخریون هر روز هفته خروار خرج نموده به اتمام رسانیدند. بعد از اتمام عمارت سد به جرجان آمده و گزارش بر آن زمین که حالا استرآباد نامیده می‌شود. افتاد و محلی قابل عمارت و طرح بیشه و دریا و کوه را بر کاغذی کشیده و به نظر نوشیروان رسانیده و گفت: عمارت سد تمام شده و همچنان مبلغی باقی است و چنین محلی که قابل عمارت است یافته‌ام، اگر اشارت فرمایید شهری بنا کنم، نوشیروان قبول فرموده او را به معموری استرآباد مامور ساخت و اصطریخون به عمارت مشغول شده بعد از اتمام آن به اصطخرآباد موسوم ساخت و به مرور به استرآباد مشهور گشت. شواهد دیگری در دست است که شهر یا شهرک استرآباد به همین نام در دوران سامانی وجود داشته و جزو شهرهای استان ساسانی گرگان بوده است. در دوران اسلامی مقدسی گوید که استرآباد شهری است که بیشتر مرمان آن ابریشم باف و در این کار ماهرند. در آن ویران و خندقش پر شده و جامع آن در بازار است. در نتیجه شهری با جامع و بازار که عناصر اصلی یک شهر اسلامی است. استخری از آن نام برده و مولف حدود العالم گویند که مردمان این شهر دارای دو زبان هستند. حمدالله مستوفی شهری دانسته که هوایش معتدل و محصولاتش را غلات و انگور و ابریشم می‌داند. در هر حال استرآباد بعد از حمله مغول جای گرگان با جرجان اسلامی را گرفته و مهمترین شهر منطقه گشت. آثاری از قرن ۹ و ۱۰ هجری در این شهر وجود دارد و در این دوران شهر صحنه برخورد آخرین سلاطین ایلخانی، تیموری و حکام ترک محلی است و در همین دوران که اولین گام‌های قدرت‌گیری خانواده قاجار برداشته می‌شود. آثار ساختمانی بسیاری از دوران صفوی، نادرشاه و حکومت قاجار که استرآباد به عنوان پایتخت خانوادگی آنها بود در این شهر ساخته شد که بعضی نیز باقی هستند.

آقا محمدخان در این شهر بدنیا آمد. مساجد و مقابر بسیاری در آن وجود دارد و سادات زیادی در آن زندگی می‌کردند و به نام دارالمومنین معروف بوده که در روی سکه‌های بعد از صفوی ضرب این شهر مشاهده می‌شود. شهر دارای حصار محکم بوده و جنگل تا پشت دیوارهای شهر می‌آمده است و بهقول جیمز موریه در ۱۳۳۱ هجری به یک فرسنگ می‌رسیده است. او در دنبال می‌نویسد که خانه‌ها به هم فشرده و کوچه‌ها به هم ارتباط دارند. مصالح خانه خشت و آجر و چوب و سقف آن سفال پوش است. خانه‌ها بسیار مستحکم و درختان بسیاری در منازل وجود دارند. چند سال بعد فریزر اشاره دارد که محیط شهر ۳/۵ میل بوده و حصار از گل دارد که دارای برج‌های زیادی است و خندقی عمیق آن را محصور نموده لیکن بارو فرو ریخته است. جالب این است که باروی کهنه شهر، قلعه خندان را نیز در برمی‌گرفته است. اغلب خانه‌ها دارای بادگیری برج مانند است. کوچه‌ها سنگ فرش و فاضلاب در میان کوچه‌ها جاری است. دیوار باروی شهر را نادرشاه خراب کرد و آقا محمدخانه بعد از آن بازسازی چهار برج و چهار دروازه داشته که تردد می‌کردند و باز بود. شرقی دروازه بسطام، جنوبی دروازه چهل دختر، غربی دروازه مازندران و شمالی دروازه سبزه مشهد است و بزرگی قلعه استرآباد از شهر ساری بزرگتر است و سبزی کاری و باغ و بوستان همه در میان شهر است و یک هزار و سیصد و پنجاه خانوارند. در نخبه سیفیه می‌آید که دو رشته قنات در خارج شهر است که آبش داخل شهر شده و مردم مشروب می‌شوند. یکی «سرخاجه» که معروف به «چهل دختر» است و دیگری رشته قناتی است که از وسط شهر می‌آید و از طرف دروازه بسطام داخل شهر می‌شود و این آب موقوفه شرب اهالی استرآباد است. باز در همین جا گوید که شهر چهار دروازه خراب دارد. دروازه پشت بسطام، دروازه فوجرد، دروازه مازندران، دروازه چهل دختر، شهر استرآباد مقسم به سه محله است. محله نعلبندان، محله میدان، محله سبزه مشهد و هر محله مرکب از چندین گذر است. از دوران صفویه تا قاجاریه کاخ‌ها و بناهای بسیاری در این شهر ساخته شده‌اند. (۴)

گرگان امروز

شهر گرگان در ۳۶ کیلومتری دریا و ۳۶ درجه و ۴۰ درجه عرض شمالی و ۵۴ درجه طول شرقی واقع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۶ متر است. (۵)

گرگان دارای آب و هوای معتدل و مرطوب است ولی باران آن از گیلان و مازندران کمتر می‌باشد. (۶)

شهرستان گرگان مرکز استان گلستان شهری زیبا و نگینی در طبیعت چشم‌نوار ایران با وسعت ۱۶۱۵/۸۱ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۴۱۸۷۷۵ نفر با جاذبه‌های فراوان طبیعی و تاریخی یکی از شهرهای سیاحتی و میعادگاه عاشقان طبیعت و دوستداران تاریخ است. (۷)

شهرستان گرگان در جنوب شرقی دریای مازندران قرار دارد و از شمال به آق قلا، از غرب به کردکوی، از شرق به علی آباد و از جنوب به استان سمنان منتهی و محدود می‌شود. این شهرستان براساس آخرین تقسیمات کشوری دارای دو بخش مرکزی و ۹۸ روستا می‌باشد.

شهرستان گرگان دارای مردمی خونگرم و مهمان‌نواز و متشکل از اقوام گوناگون می‌باشد. آثاری که متعلق به دوران قبل از تاریخ از نقاط مختلف این شهرستان از جمله تورنگ تپه و شاه تپه و ... به دست آمده نمایانگر حضور دیرینه انسانها در این منطقه و نشان دهنده تمدن آن در هزاره ششم پیش از میلاد است.

جاذبه‌های زیبای گردشگری مشتمل بر کوهسارها، دره‌ها، رودخانه‌ها، آبشارها، چشمه‌سارها و جنگلهای سرسبز می‌باشد. از جمله پارکهای جنگلی (ناهارخوران - النگ دره - قرن آباد - شصت کلاته - فرق - گرمابدشت) پارک شهر، سدنومل، آب گرم و آبشار دوقلوی زیارت، هزارپیچ، بازار نعلبندان و دهکده‌های توریستی زیارت شاهکوه.

بلندترین ارتفاعات شهرستان با ۳۵۰۰ متر و از نقاط دیدنی و باستانی و مذهبی آن، کاخ آقامحمدخان، کاخ موزه و خانه تقوی، کبیر، شیرنگی و باقری و تکایای محلات قدیمی، کاروانسراهای سنگی و حمام‌های قدیمی، تورنگ تپه، شاه تپه، خرگوش تپه، قلعه خندان، نرگس تپه، امامزاده‌های اسحق دنور، عبدالله، نه تن، مرادبخش، محسن، بی بی هور، بی بی نورف طیب و قرن آباد. (۸)

فصل دوم : « آثار تاریخی »

در جنوب شرقی گرگان حفاری‌های پراکنده‌ای شده است و در آنجا آثار تاریخی زیادی به دست آورده‌اند که اغلب به تاراج رفته است. در روستاهای اطراف گرگان نیز آثار تاریخی بسیاری را یافته‌اند. پیدا شدن سر نیزه‌هایی در دامنه‌ی جنوبی کوه کلاهی - در محلی که اکنون باغ و مزرعه‌ای به نام کریم آباد در آن احداث شده است - نشان دهنده‌ی جنگ‌هایی می‌باشد که در آنجا اتفاق افتاده است. در محل اخیر آثار جوش کوره‌ی آجرپزی و آثار پی دیواری آجری را هنگام حفر قنات مزرعه‌ی نامبرده یافته‌اند و هنوز این آثار وجود دارد.

در ناحیه‌ی همواره‌بان که در قسمت مرتفع کوه کلاهی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا تقریباً ۲۸۰۰ متر است و چمن‌زار و مرتع دامهای گرگان است، کوره‌هایی وجود دارد که به این کوره‌ها اهالی گرگان «گل گلشاه» می‌گویند و طبق روایات محلی، محل جنگ‌هایی بوده که میان سرداران ایرانی و اقوام مهاجم در گرفته است و به هنگام عقب نشینی عده‌ای از آنها کشته شده و در آنجا دفن شده‌اند.

دیوار بزرگ گرگان

از قدیمی‌ترین بناها و آثار تاریخی گرگان دیوار بزرگ گرگان یا دیوار سرخ می‌باشد. دیواری تاریخی است که از کنار دریای خزر در ناحیه‌ی گمیشان آغاز شده و تا کوه‌های گبداغ در شمال شرقی کلالة ادامه یافته است، هم اکنون تقریباً تمام این دیوار از میان رفته است و تنها بخش‌های کوچکی از آن که در زیر خاک مدفون مانده باقی است. دیوار تاریخی گرگان پس از دیوار چین بزرگترین دیوار دفاعی جهان است. (۹)

بیشتر تاریخ نگاران بر این باورند که انوشیروان ساسانی این دیوار را بنا نهاده، اما گردیزی در زینه الاخبار آغاز بنای آن را به یزدگرد اول و اتمام آن را به انوشیروان نسبت می‌دهد. (۱۰)

سعید نفیسی هم در تاریخ تمدن ایران ساسانی از تعمیر آن توسط مازیار فرمانروایی طبرستان خبر می‌دهد. (۱۱)

بسیاری از کارشناسان بر این باورند دیوار تاریخی گرگان همزمان با دیوار چین ساخته شده و هر دوی این بناها برای مقابله با گروهی از مهاجمان به نام هپتال‌ها که از شمال وارد می‌شده‌اند ساخته شده است.

در مورد جنس دیوار گفتار گوناگونی وجود دارد، بلاذری آن را از سنگ و سرب، ابن فقیه از آجر و آهک، ابن فردادبه از آجر و گچ، فردوسی از سنگ و گچ و ثعالبی از سنگ مرمر و نجیب بکران از خشت پخته می‌نویسند. بخشی از دیوار که در روستای گوگبه (شمال کلالة) از زیر خاک بیرون آمده، از آجرهای بزرگ ساخته شده است.

بررسی ملی گروه باستان شناسان ایرانی و باستان شناسان دانشگاههای ادینبورگ و دورهام، نشان می‌دهد در ساخت این دیوار عظیم دهها میلیون قالب آجر به کار رفته است. آنان شواهدی از تعداد زیادی کوره و کارگاه ساخت آجر برای احداث این دیوار است.

طبق برآوردها ۳۰ هزار سرباز می‌توانستند در طول دیوار مستقر شوند، باستان شناسان با نمونه‌برداری و آزمایش خاکسترها و زغال‌های برجای مانده در کوره‌های آجری، نشان دادند که قدمت دیوار به قرن‌های پنج و شش میلادی می‌رسد.

مدرسه عمادیه

یکی از قدیمی‌ترین مدارس که با همان سبک و معماری زیبا و قدیمی در گرگان باقی مانده مدرسه عمادیه است. این مدرسه متعلق به دوره شاه سلیمان صفوی می‌باشد.

به استناد وقفنامه‌ای که متعلق به شخصی بنام آقا روح الله حسینی استرآبادی است، به سال ۹۵۲ ه.ق یک خانه و اتاق سفال پوش و دو باغچه بزرگ در محله پاسرو استرآباد و ۵ دانگ از قریه میر محله و ۶ دانگ قریه چوپلانی و ۴ دانگ لسرکان را بر اولاد ذکور وقف کرد که پس از آنها به طلبه علوم دینی و علما و فضلا و صلحای شهر استرآباد بدهند. آن چه از این وقفنامه متعلق به دوران حکومت شاه تهماسب صفوی مستند می‌گردد، مدرسه عمادیه متعلق به دوران قبل از عصر صفویان است و این گمانه زنی تاریخ یکه مدرسه را متعلق به اواخر قرن ۸ و اواسط قرن ۹ ه. ق می‌داند تقویت می‌نماید.

معماری مدرسه عمادیه بسیار زیبا و حیاط آن حدود ۱۰۰۰ مترمربع و با سنگهای رودخانه‌ای مفروش گردیده است. در حاشیه و چهار ضلع آن حجره‌های دانش پژوهان واقع گردیده است و بر سر

در بزرگ ورودی این مدرسه گل دسته و تعلیم آن تا دوران قاجار سبک و شیوه معمول و رایج قرون گذشته ایران بود.

کاخ موزه گرگان

کاخ اختصاصی گرگان در مرکز شهر گرگان در محوطه پارک شهر واقع شده و در اوایل دوران پهلوی اول در این شهر احداث گردید. از بناهای همزمان با این کاخ می‌توان به ساختمان شهرداری، شهربانی، اداره ثبت احوال، اداره پست، دادگستری، دارایی، مدرسه ایرانشهر و سر درب پادگان اشاره کرده که غیر از بنای دادگستری بقیه ساختمان‌ها از نظر پلان شبیه یکدیگرند. این بنا که بر روی بقایای ساختمانی متعلق به دوره صفوی احداث شده و زیربنای هر طبقه آن ۵۳۰ مترمربع است که مجموعاً در دو طبقه دارای ۱۰۶۰ مترمربع است. این بنا به سبک اروپایی با سقف شیروانی است.

(۱۲)

این کاخ به منظور استراحتگاه خانواده پهلوی در موقع سفر به گرگان احداث شده و تا پیش از اشغال ایران توسط متفقین، دوازده بار در طی سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۷ شمسی مورد استفاده قرار گرفته است.

در سال ۱۱۳۹ شمسی در برپایی نمایشگاهی از آثار عتیقه حاصل از کاوشهای باستان شناسی از گرگان و دشت در این بنا تلاش‌هایی انجام گرفت. افتتاح رسمی موزه گرگان در فروردین ماه ۱۳۴۳ شمسی انجام گرفت.

این موزه شامل سه بخش اداری، معرفی مشاهیر و اشیای سلطنتی است.

بخش مشاهیر: این قسمت در طبقه همکف و شامل سه سالن است که در آن تندیس علماء، دانشمندان و فرهیختگان این ناحیه از جمله، فخرالدین اسعد گرگانی، میرداماد، میرفندرسکی، استاد محمدرضا لطفی، استاد حجت الله شکبیا و..... به همگان معرفی شده است.

بخش اشیای سلطنتی: این بخش شامل یک سالن بزرگ، یک سالن نشیمن و سه اتاق است که شامل اشیاء و لوازم تخت خواب، مبلمان و که متعلق به کاخ بوده است. در سالنهای بزرگ این بخش ویتترین‌هایی جهت نمایش لوازم، ظروف کریستال و چینی، مجسمه‌ها و.... مربوط به کاخ به نمایش در آمده و در سالن نشیمن مبلمان و کمدهای دیواری و آئینه‌ها قرار دارند. همچنین در اتاق ضلع شمال شرقی کاخ، تخت خواب، میز کنسول، آباژور و به نمایش گذاشته شده، و در دو اتاق ضلع جنوب شرقی نیز مبلمان، میز و قرار گرفته‌اند.

مسجد جامعه گرگان

مسجد جامع در جنب بازار اصلی شهر (نعلبندان) واقع شده است. بنای آن را صاحب گرگان نامه از قول نویسنده مرات البلدان ۸۰۴ ه.ق ذکر می‌کند و بانی آن را از قول سالخوردگان استرآبادی از اهل تسنن و از ترکمن‌های طایفه ایمر معرفی کرده‌اند. از این مسجد که در عصر درخشان معماری ایران، یعنی دوره سلجوقیان احداث شده، فقط مناری آجری آن که دارای کتیبه‌ای به خط کوفی است باقی ماند. منبر چوبی مسجد هشت پله دارد که در آن منبت کاری شده و با قاب شیشه‌ای پوشانده شده است. این منبر دارای دو کتیبه می‌باشد که تاریخ‌های ۱۱۵۷ و ۱۰۱۸ ه.ق بر آن نوشته شده است. طبق کتیبه‌ای که تاریخ ۱۵ شعبان ۱۰۱۸ ه.ق دارد، ساختمان مسجد در دوره سلطنت معین الدین ابوالقاسم بابرپها در بوسيله بابا حسین نامی شروع و در عهد شاه عباس توسط قطب الدین احمدبن ملاعلی استرآبادی به اتمام رسیده است.

از کتیبه دیگر که به تاریخ ۱۱۵۷ ه.ق است دانسته می‌شود که در زمان نادرشاه و به دستور حاکم استرآباد (محمدحسین خان قاجار) به سرپرستی حاجی قربان آقا مرمت شده است. مسجد جامع دارای صحن بزرگ با ایوانی بلند است. محراب شبستان اصلی که گنبد بلندی نیز در بالای آن دیده می‌شود برخلاف سنت شیعه رو به سوی شرق است که خود گواه بر این بوده که مسجد ابتدا برای اهل سنت ساخته شده است، درب ورودی مسجد در میان انبوهی از وسایل قرار دارد. در چهارچوب درب کتیبه‌هایی به خط کوفی دیده می‌شود. مناره مسجد جامع کم ارتفاع و این هم به سبب رطوبت هوای این منطقه است که مناره‌ها را در این نواحی کم ارتفاع می‌ساختند.

این مسجد در دوره‌های تیموری، صفوی از جمله شاه عباس اول و دوم و نیز در دوره نادرشاه تعمیر شد. قسمتی از بنای مسجد در زلزله شدید ۱۳۰۳ شمسی خراب و سپس تعمیر شد. در سالهای پیشتر که پایه یکی از شبستان‌های مسجد را برای تعمیر می‌کنند کوزه محتوی سکه‌های نقره بدست آمد. مسجد جامع گرگان در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. (۱۳)

فصل سوم : « وضعیت فرهنگی »

در گرگان و نواحی مجاور آن از قدیم مردمانی علاقه‌مند به فرهنگ و دانش و ادب زندگانی می‌کردند و از این رو است که میرزاهای گرگان و تفرش در ایران مشهور و معروفند و در گذشته و امروز نیز در بسیاری از مؤسسات دولتی و غیردولتی عده‌ی قابل ملاحظه‌ای از گرگانیها مشغول به کار بوده و می‌باشند.

مکتب

از زمانهای بسیار قدیم برای باسواد شدن پسران و دختران در گرگان مکتبهایی دائر بوده است، در حدود ۱۰۰ سال پیش در گرگان مکتبهها به قرار زیر بودند:

مکتب میرزا کریم و مکتب میرزا شورش از قدیمی‌ترین مکتبههای گرگان بوده است. میرزا شورش طبع شعری داشته است.

مکتبههای دیگر عبارت بودند از مکتب میرزا احمد، برادر میرزا ربیع خان، نامبرده از پا فلج بود و خطی بسیار خوب داشت. در تذهیب کاری و صحافی و شیرازه بندی کتابها تخصصی بسزا داشت.

در گرگان دو مکتب دخترانه نیز وجود داشت. یکی از آنها را مشهدی فاطمه خانم و دیگری را رقیه خانم اداره می‌کردند. کسانی هم که خود دارای فضل و دانش بودند، فرزندان خود را خودشان آموزش و تعلیم می‌دادند. (۱۴)

دبستان و دبیرستان

در سال ۱۳۰۶ شمسی دبستان دولتی و در سال ۱۳۵۳ شمسی دوره‌ی راهنمایی در گرگان دائر گردید و پس از فوت استاد عبدالعظیم قریب آقای دکتر عباس قریب فرزند ایشان از طرف خود و وکالتاً از طرف وراث دیگر خانه و باغچه‌ی پدری خود در گرگان را در اختیار وزارت آموزش و پرورش، برای ساختن یک دبستان و دبیرستان قرار داد. در محل مزبور یک دبستان شش کلاسه به نام «دبستان استاد عبدالعظیم قریب» و یک مدرسه راهنمایی به نام «راهنمایی استاد عبدالعظیم قریب» ساخته شد که هم اکنون نیز دائر است. (۱۵)

اولین نهاد آموزش عالی در گرگان

«آموزشگاه عالی جنگل و مراتع» اولین دانشکده منطقه گرگان بود که اولین مؤسسه آموزش عالی استان گلستان نیز محسوب می‌شد. این نهاد فرهنگی در سال ۱۳۳۶ ش با یک دانشکده و یک آموزشگاه پی‌ریزی شد و از سال ۱۳۵۴ توسعه و گسترش فراوانی یافت و به نام «مدرسه عالی منابع طبیعی» با رشته تحصیلی جنگل، مرتع و حفاظت خاک از اهمیت بسزائی برخوردار گردید. در سال ۱۳۶۰ بار دیگر تغییر نام یافت و با عنوان «دانشکده منابع طبیعی» تحت پوشش دانشگاه مازندران قرار گرفت. به سال ۱۳۶۷ براساس مصوبه شورای گسترش دانشگاهها و مؤسسان آموزش عالی این دانشگاه به انضمام آموزشکده گنبد قابوس که در سال ۱۳۶۶ آغاز به فعالیت نموده بود، از زیر پوشش دانشگاه مازندران خارج و از این تاریخ با نام «مجتمع دانشگاهی علوم کشاورزی و منابع طبیعی» به فعالیت ادامه داد. (۱۶)

تاریخچه نشریات، جراید و روزنامه‌نگاری در گرگان

در منطقه گرگان (استرآباد) فعالیتهای نشریات بعد از دوره‌ی قاجار همچون سایر شهرهای ایران از جمله: تبریز، شیراز، رشت، تهران و سابقه‌ای غنی و پربار ندارد. فقط در برخی از مقاطع تاریخی و آن هم به دلایلی همچون عوامل اجتماعی، سیاسی و گاه فرهنگی اشخاصی اقدام به انتشار روزنامه نموده‌اند که آن هم عمر بسیار کوتاهی داشته‌اند. در اینجا به ذکر تاریخ کوتاه این نوع جراید از اواخر دوره رضاشاه (۱۳۲۰ ش) تاکنون می‌پردازم:

«آسمان گرگان» سید حسین حسینی، محل انتشار تهران

«اصناف گرگان» محمدابراهیم برادران

«اتحاد تراکمه» شماره یک آن در سال ۱۳۲۲ منتشر شد.

«شهریار» فاطمه طوبی گرگانی و حسنعلی گرگانی، هفته نامه سیاسی و اجتماعی، یک بار متوقف شد و به جای آن «ندای آزادی» را در دو دوره بین سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ ش منتشر کردند.

«آذر گرگان»: علی اصغر کشاورز، هفته نامه سیاسی - خبری که در گرگان بین سالهای ۱۳-۱۳۲۵ ش منتشر می شد.

«برجان»: به مدیریت و مسئولیت ابراهیم مفیدی منتشر می شد.

«پیام گرگان»: عباس مهرآئین، هفته نامه اجتماعی - انتقادی که سالهای نشر آن متعلق به ۱۳۳۱-۱۳۳۰ بود.

«رستاخیز گرگان»: صادق میرشهیدی، هفته نامه اجتماعی - انتقادی که حدود سالهای ۱۳۳۰ نشر می یافت. چند شماره از این هفته نامه هم اکنون در کتابخانه ملی ایران محفوظ است.

«شمال ایران»: عبدالله شرفشاهی و منوچهر نوازش، هفته نامه خبری و اجتماعی یکبار متوقف گردید، مدتی بعد به نام «خجسته» مجدداً نشر یافت. هر دو دوره انتشار این هفته نامه بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۵ در ساری و گرگان بود.

«قیام شمال»: عبدالله شرفیها دو دوره در سالهای ۱-۱۳۳۰ در گرگان و تهران منتشر شد.

«نامه قابوس»: محمدعلی استرآبادی هفته نامه خبری - اجتماعی که در سالهای ۱۳۱۴ ش در چاپخانه گرگان چاپ می گردد.

«ندای گرگان»: احمد قاسمی، هفته نامه سیاسی - خبری که ارگان حزب توده ایران در این منطقه و بخشی از مطالب به زبان ترکمنی بود. این هفته نامه در سالهای ۵-۱۳۲۴ در گرگان انتشار می یافت.

«برای شمال»: عزیز الله وحیدصفت، محل انتشار آن گرگان بود.

«رهبر ما»: توسط حسن خلیلی گرگانی منتشر می‌شد.

«صدای گرگان»: توسط علی اکبر رهبر در حدود سالهای ۱۳۳۰ نشر می‌یافت.

«گرگان»: توسط جعفر طاهری در سالهای بین ۱۳۳۰-۱۳۴۰ انتشار می‌یافت.

«گرگان ما»: بوسیله حسین فلسفی در سالهای بین ۱۳۳۰-۱۳۴۰ منتشر می‌شد.

«شمال ایران»: منوچهر نوازش، هفته نامه‌ای که بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ در گرگان منتشر می‌شد.

«پیام مستضعفین»: محمدعلی روحانی فرد، هفته نامه ای که در سال ۱۳۵۸ در گرگان نشر می‌یافت.

«ایل کویچی»: قدرت خلق، مجله فرهنگی-سیاسی در سال ۱۳۵۸ به طور ماهانه در ترکمن صحرا و دشت گرگان به زبان ترکمنی منتشر می‌شد. این ماهنامه وابسته به کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن بود.

«پیام منابع طبیعی»: بولتن علمی-خبری که به صورت گاه‌نامه در سال ۱۳۶۳ در گرگان منتشر می‌شد. این بولتن وابسته به دانشکده منابع طبیعی بود.

«خبر»: نشریه‌ای سیاسی وابسته به اتحادیه دهقانی ترکمن صحرا که در سال ۱۳۵۸ منتشر می‌شد.

«خبرنامه ترکمن صحرا»: جریده‌ای سیاسی که در سال ۱۳۵۸ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شد و وابسته به اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا بود.

«گرگان نامه»: مجله ادبی، اجتماعی، علمی وابسته به کانون نویسندگان و شاعران گرگان هر سه ماه یک بار از سالهای ۱۳۵۸ به بعد در گرگان انتشار می‌یافت.

«ندای ترکمن»: جریده‌ای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی با مدیریت حلیم بردی عادل و ابراهیم حسن بیگی که هر دو هفته یکبار در سال ۱۳۵۸ در گرگان نشر می‌یافت.

«ویژه نامه گرگان و دشت»: با هماهنگی دفتر شرق مازندران و هفته نامه اقتصادخراسان در ۴ صفحه انتشار می‌یافت.

«پیک خزر»: نشریه هفتگی گرگان و مازندران که نشر اولین شماره آن از آبان ۱۳۷۴ در ۸ صفحه آغاز گردید.

«خبرنامه»: نشریه ماهانه روابط عمومی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان - اولین شماره آن فروردین ماه ۱۳۷۴ در ۴ صفحه منتشر گردید. (۱۷)

رادیو و تلویزیون و نقش آن در فرهنگ مردم گرگان

رادیو در سالهای جنگ جهانی اول و ورود روس به منطقه گرگان (۱۳۲۵ ش) شدیداً مورد توجه عامه مردم بود، ولی چون هنوز رسانه‌ای فراگیر نشده بود، در زمانی که اخبار جنگ از رادیو پخش می‌شد آنهایی که رادیو در اختیار داشتند آن را با صدای بلند روی طاق و پشت پنجره مشرف به کوچه می‌گذاشتند و صدای آن را بلند می‌نمودند تا مشتاقان شنیدن خبرهای جنگ از بیرون زیر پنجره تجمع نمایند و به گوش بایستند.

اولین تلویزیون در اواخر سالهای ۱۳۴۰ ش در گرگان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. (۱۸)

ورود تلویزیون و رادیو به زندگی مردم به ویژه رشد کمی و تعداد زیاد رادیو در بین اقشار متوسط جامعه شهری گرگان موجب تحول شدید در بینش و دیدگاههای مردم نسبت به زندگی خود شد.

فصل چهارم : «شخصیت‌های معروف گرگان»

از میان گرگانی‌ها افراد با استعداد و درستکار بسیاری برخاسته‌اند که در دوره‌های مختلف و به ویژه در دوره‌ی قاجار و پس از آن به مقام‌های دولتی مانند سررشته داری، لشکرنویسی، استیفاء و حتی وزارت رسیده‌اند و برخی نیز به مقام‌های علمی و فرهنگی دست یافته‌اند.

شخصیت‌های دیوانی

حاجی میرزا نصرالله مستوفی: میرزا نصرالله مستوفی در سال ۱۲۹۸ قمری از طرف میرزا یوسف مستوفی الممالک جانشین میرزا هدایت الله وزیر دفتر شد. وی در سال ۱۲۲۴ قمری که مقارن سالن سیزدهم سلطنت فتحعلی شاه قاجار است متولد شده است. وی مستوفی اول دیوان اعلی که گذشته از استیفاء چندین ولایت سمت استیفاءی خزانه و منابطی اسناد خرج و به اصطلاح امروزی سمت مدیری کل منحصر بلاعزل وزارت مالیه را هم داشته است. نامبرده در سن ۸۴ سالگی، و در سال ۱۳۰۷ قمری در تهران فوت کرده و در صحن حضرت عبدالعظیم مدفون است. (۱۹)

از دیگر شخصیت‌های دیوانی گرگان عبارتند از: میرزا محمد وزیر - میرزا مصطفی خان مستوفی - میرزا عبدالکریم خان احتشام سلطان (احتشام لشکر) - میرزا محمدعلی خان ناصر لشکر - میرزا حبیب الله مستوفی و پسرش میرزا عبدالله سررشته دار امور آذربایجان - میرزا آقای مستوفی و برادر کوچکترش میرزا ابوالحسن خان مستوفی.

شخصیت‌های فرهنگی گرگان

شمس العلماء: حاج میرزا محمدحسین ملقب به شمس العلماء و متخلص به ربانی از اساتید فقه و اصول و حدیث و تفسیر بود. وی در سال ۱۲۶۲ قمری در گرگان متولد گردید. تحصیلات اولیه‌ی

خود را در قم به انجام رساند و مدت ۳ سال در عتبات در محضر درس مرحوم میرزا محمدحسن شیرازی و دیگر علمای عصر به تحصیل فقه و اصول پرداخت. در سال ۱۲۹۳ به عضویت دیوان کشور منصوب شد و در ۱۴ شعبان ۱۳۴۵ قمری مطابق ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ ه.ش در سن ۸۳ سالگی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرده شد. وی به فارسی و عربی شعر سروده است.

تألیفات او عبارت است از: ۱- دوره‌ی اول علم بدیع موسوم به قطوف الربیع فی صنوف البدیع ۲- کتاب معانی، مخصوص کلاس‌های متوسطه و عالی ۳- ابداع البدایع در صنایع بدیع ۴- معانی و بیان ۵- منظومه‌ای در فقه و اصول ۶- دیوان غزلیات ۷- تاریخ یا ساز و آهنگ باستان. (۲۰)

فخرالدین اسعد گرگانی: از داستانسرایان نامداری است که در نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری می‌زیسته. و علاوه بر شعر در فلسفه و علوم نیز دستی داشته است. در زمان حکومت طغرل سلجوقی به شهرت رسید و در اواخر حکومت همین سلطان یعنی سال ۴۴۶ ه.ق چشم از دنیا بست. از جمله منظومه‌هایش: شیرین و فرهاد- لیلی و مجنون- وامق و عذرا- ویس و رامین.

قابوس بن وشمگیر: ابوالحسن قابوس بن وشمگیر بن زیار ملقب به شمس المعالی می‌باشد، وی از امیران سلسله‌ی زیاری بود که به شاعری و خوشنویسی معروف بود. در سال ۳۶۷ ه.ق بعد از برادرش بیستون در جرجان به تخت نشست.

از وی آثار زیادی به جا مانده است ولی نامه‌های او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی در کتابی به نام کمال البلاغه جمع‌آوری کرد.

مختومقلی فراغی: شاعر ایرانی و از مهمترین شخصیت‌های ترکمن است. در سال ۱۱۱۲ ه.ش در روستای حاجی قوشان در شمال شرق گنبد کاووس به دنیا آمد. وی متعلق به طایفه‌ی گوکلان

می‌باشد. در سال ۱۱۶۲ ه.ش در دامنه‌ی کوه سونگی داغ وفات یافت و او را در روستای آق توقای واقع در ۴۰ کیلومتری غرب مراوه تپه دفن کردند.

بیاض استرآبادی: شهرت: شاعر وفات: قرن ۳ هجری

میرزا مهدی خان استرآبادی: شهرت: از مشاوران نزدیک نادرشاه افشار

تولد: پیش از ۱۱۰ ه.ق مهمترین اثر: ذره‌ی نادری وفات: ۱۱۷۵ ه.ق

لامعی گرگانی: تولید: ۴۱۴ ه.ق شهرت: شاعر وفات: قرن ۵ ه.ق

معروف‌ترین اثر: دیوان اشعار

ابوسلیک گرگانی: تولد: ۴۴۵ ه.ق وفات: ۴۴۹ ه.ق وی از اولین شعرای زبان فارسی بود.

حسین واعظ استرآبادی: تولد؟ مهمترین اثر: تحفه المومنین وفات: ۱۰۸۰ ه.ق

نظام الدین استرآبادی: تولد: قرن ۹ شهرت: شاعر وفات: ۹۲۱ ه.ق

مهمترین اثر: دیوان اشعار

میرداماد: تولد، ۹۶۹ ه.ق شهرت: فیلسوف و عارف توانا وفات: ۱۰۴۰ ه.ق

سیدابوالقاسم میرفندرسکی: تولد ۹۷۰ ه.ق شهرت: حکیم، فیلسوف، فقیه

وفات: ۱۰۵۰ ه.ق

ابوبکر عبدالقاهر جرجانی: شهرت: شاعر وفات: قرن ۵ ه.ق

شکیبا: تولد: ۱۳۲۸ ه.ش

شهرت: مجموعه‌ی آثار نقاشی‌های

شکیبا

محمد رضا لطفی: شهرت: نوازنده و استاد موسیقی تولد: ۱۳۲۵ ه.ش (۲۱)

فصل پنجم: «آداب و رسوم»

مردم گرگان همچون مردم اقوام دیگر برای خود رسومی داشتند که متأسفانه امروزه خیلی از آن آداب و رسوم رو به ورطه‌ی فراموشی نهاده شده‌اند. در اینجا به توضیح چندی از آداب و رسوم گرگانی‌ها در ایام نوروز می‌پردازم که امروزه نیز تا حدودی پایدار مانده‌اند.

آداب تحویل سال:

۱- قبل از تحویل سال نو هیچ کس نباید با کسی قهر باشد، چون بدشگون محسوب می‌شود. بنابراین «کاسه هماده کردن» یعنی پختن مثل آش، خوراکی و یا چند شیرینی خانگی و فرستادن به خانه طرف مقابل، پیام آشتی می‌دادند. اگر آن خوراکی پلو بود به آن «آشتی چلو» می‌گفتند.

۲- قبل از تحویل سال نو، به اندازه یک مشت بزرگ خمیر درست می‌کردند و لای پارچه‌ای می‌پیچیدند تا تبدیل به خمیر ترش برای پخت نان در سال نو بشود زیرا بدین گونه نر برکت خانه برای سال جدید می‌افزودند.

۳- داخل یک سینی مسی را با آب زعفران دعای «یا مقلب القلوب...» نوشته و سر سفره هفت سین می گذاشتند تا پلو اولین نهار (روز اول عید) را روی آن ریخته و صرف کنند این کار علاوه بر افزایش برکت، سلامتی هم برای افراد خانه در سال نو می آورد.

۴- اندکی قبل از تحویل سال، خانمها سعی می کردند در مطبخ دهانه ظرف یا کیسه برنج، آرد و چند خوراکی پرمصرف خانه را باز بگذارند، چون باور داشتند که بدین گونه «رزی و روزی» را در سال نو زیاد کرده و وارد خانه می کنند. (۲۲)

شگون عید

مردم استرآباد و روستاهای اطراف آن، شخص مورد شگون را از میان یکی از بچه‌های فامیل، همسایه و مخصوصاً یکی از فرزندان خود انتخاب می کردند و وی را پیام‌آور سلامتی و برکت می دانند. شگون پس از ورود به خانه بر سر سفره می نشیند و با شیرینی دهان خود را شیرین می کند. تعدادی از خانواده پارچه شلواری یا جوراب به او هدیه می دهند. گاهی به همراه شیرینی سر سفره هفت سین، یک لیوان شیر نیز به او هدیه می شد.

فصل ششم: «زبان»

زبان یکی از پایه‌های قومیت و استقلال یک کشور است. هنگامی که کشوری مورد تاخت و تاز اجانب قرار می گیرد، قوم فاتح در مرحله‌ی نخست سلطه‌ی خود را بر بخشهایی که دسترسی به آنها آسانتر و موانع طبیعی در سر راه رسیدن به آنها کمتر است، گسترش می دهد. در حالی که در مناطق کوهستانی و دور از راههای اصلی و عمومی دیرتر و کندتر نفوذ پیدا می کند. در نتیجه‌ی ایان امر

ساکنان نواحی کوهستانی، عقاید و آداب و سنن باستانی و از آن جمله گویش‌ها و زبان محلی و واژه‌ها و اصطلاحات و اشعار عامیانه خود را به نسبتی که دورتر از مرکز اصلی باشند بیشتر و بهتر محفوظ می‌دارند. مردمان ساکن گرگان نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

زبان و گویش معروف به «بوربشه» یا «بوربستی» گویش اصلی مردم گرگان می‌باشد. این گویش، دستور و قواعد ویژه‌ای داشته است که امروز در حال فراموشی است.

مردم گرگان حتی بی‌سوادها دارای یک نوع فرهنگ و ادب ویژه‌ای بوده‌اند که آنها را از مردم سایر نواحی متمایز می‌ساخته است علت این امر یکی معاشرت و مجالست طبقات مختلف با یکدیگر و دیگری بازگشت کسانی که مشاغل دولتی داشتند، پس از بازنشستگی به گرگان بوده است طبقه‌ی تحصیل کرده‌ای آن زمان اغلب در تهران و تبریز و اصفهان و شیراز و سایر شهرهای بزرگ ایران مدت‌ها به کار اشتغال داشتند، پس از بازنشستگی به ولایت می‌آمدند و در نتیجه‌ی آداب معاشرت شهرنشینان و زبان قلمی را که خود فرا گرفته بودند به روستاییان و ساکنان محلی منتقل می‌کردند و موجب می‌شدند که اهالی گرگان در سطح بالاتری از سواد و فرهنگ، نسبت به اهالی نواحی دیگر قرار گیرند.

واژه‌های مصطلح در گرگان

در اینجا تعداد کمی از واژه‌هایی به گویش گرگانی را برای نمونه ذکر می‌کنم. این واژه‌ها عبارتند از:

آبگرمه: اشکنه	ادبار: ناتوان، لاغر	اسپار کردن: بیل زدن
آیزنه: شوهر خواهر	باد دمه «بادی که با ریزش برف بوزد	آلماته: فک، آرواره
پاتنه: سینی گرد چوبی برای پاک کردن غلات		پشام: برآمدی، ورم

چل: زمین بی گیاه	جانخانی: جوال بزرگ	ترسوک: ترسو
رزق: روغن غذا	دائول: داربست	خلمه: بزغاله‌ی کمتر از یکسال
فیزار: زمین باتلاقی	شنه: ماسه	زج: قره قورت
لیلاج: آدم تنومند و قوی	گلیدن: غلتیدن	کامبار: کاه انبار
هولی: کره خر یکساله	ور: پهنا	میلانه: مطابق میل

ضرب المثل‌ها:

- آب، آب را می‌جوید و چاله گنداب را.
- آدم باید تا زنده است از دهنش و پس از مرگ از گورش آتش بیارد.
- آدمی آه است و دم.
- از نخورده بگیر و بده به خورده که خورده، خورده دانش درد می‌کند.
- سیر نخورده و دهن بو داده.
- به هوای بچه، ننه می‌خوره کلوچه.
- نان گندم، شکم فولادی می‌خواد.
- پنج سیر گوشت، پنجاه نفر، کاسه بیار شوربا ببر.
- یک دانه‌ی گندم یک پشت ناخن نان دارد و یک دقیقه جان.
- دندانش به پشم خودش گیر کرده است (کنایه از این است که تقصیر را متوجه خودش کرده است).
- نه خیلی دریده و نه شیرهای ریخته است.

پی‌نوشت:

۱- مسیح ذبیحی، گرگان نامه، زیر نظر ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، چ اول،

۱۳۶۳، ص ۲۹.

۲- عبدالکریم قریب، گرگان، نشر سهروردی، چ اول، تابستان ۱۳۶۳، ص ۲۶.

۳- www.iran20.com

۴- www.gorganma.persianblog.ir

۵- کتاب اسامی دهات کشور، ج اول، اداره‌ی آمار و سرشماری، چ اول، ۱۳۲۹، ص ۳۱۱.

۶- راهنمای شهرستان‌های ایران (برای مهندسين مشاور، دفاتر دولتی و شرکتهای ساختمانی)،

انتشارات سازمان فار، تهران، اسفند ۱۳۴۵، ص ۱۷۲.

۷- کتابچه راهنمای گردشگری استان گلستان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

استان گلستان، گرگان، اسفند ۱۳۸۹، ص ۲۲.

۸- همان.

۹- www.tabnak.ir

۱۰- گردیزی، زین الانبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگی، ص ۳۱.

۱۱- سعید نفیسی، تاریخ تمدن ایران سامانی، ص ۱۵۳.

۱۲- بروشور کاخ موزه گرگان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان.

۱۳- www.gorgancity.ir

۱۴- عبدالکریم قریب، گرگان، ص ۴۵.

۱۵- همان، ۴۵.

۱۶- اسدالله معطوفی، تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پدیده

گرگان، گرگان، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۲۸.

۱۷- همان، ص ۲۳۱.

۱۸- همان، ص ۲۳۲.

۱۹- عبدالکریم قریب، گرگان، ص ۶۰.

۲۰- همان، ص ۶۶.

۲۱- بازدید از کاخ موزه گرگان، ۹۰/۱/۷، ساعت ۹ صبح.

۲۲- مصاحبه با خانم فروزان کوهکن، نسبت مادر، ۹۰/۱/۲، ساعت ۲۰.

۲۳- عبدالکریم قریب، گرگان، ص ۹۸.

۲۴- همان، ص ۱۲۰.

منابع و مآخذ:

- ۱- مسیح ذبیحی، گرگان نامه، زیر نظر ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، چ اول، ۱۳۶۳.
- ۲- قریب عبدالکریم، گرگان، نشر سهروردی، چ اول، تابستان ۱۳۶۳.
- ۳- کتاب اسامی دهات کشور، چ اول، اداره‌ی آمار و سرشماری، چ اول، ۱۳۲۹.
- ۴- راهنمای شهرستان‌های ایران (برای مهندسين مشاور، دفاتر دولتی و شرکتهای ساختمانی)، انتشارات سازمان فار، تهران، اسفند ۱۳۴۵.
- ۵- گردیزی، زین الانبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگی.
- ۶- کتابچه راهنمای گردشگری استان گلستان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان، گرگان، اسفند ۱۳۸۹.
- ۷- نفیسی سعید، تاریخ تمدن ایران سامانی.
- ۸- بروشور کاخ موزه گرگان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان.
- ۹- معطوفی اسدالله، تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پدیده گرگان، گرگان، چ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۰- بازدید از کاخ موزه گرگان، ۹۰/۱/۷، ساعت ۹ صبح.
- ۱۱- مصاحبه با خانم فروزان کوهکن، نسبت مادر، ۹۰/۱/۵، ساعت ۲۰.
- ۱۲- www.iran20.com

www.tabnak.ir - ۱۳

www.gorgancity.ir - ۱۴

www.gorganma.persianblog.ir - ۱۵